



## شماره ثبت: ۳۱۹۳

بسم الله الرحمن الرحيم

فهرست مطالب:

|    |                                |
|----|--------------------------------|
| ۳  | تولی من قبل الجائر.....        |
| ۳  | مستثنیات.....                  |
| ۳  | روایات مستدرک.....             |
| ۳  | روایت اول.....                 |
| ۳  | بررسی روایت از لحاظ سندی.....  |
| ۴  | بررسی روایت از لحاظ دلالت..... |
| ۴  | روایت دوم.....                 |
| ۴  | بررسی روایت از لحاظ سند.....   |
| ۴  | بررسی روایت از لحاظ دلالت..... |
| ۵  | روایت سوم.....                 |
| ۵  | روایت چهارم.....               |
| ۶  | روایت پنجم.....                |
| ۶  | روایت ششم.....                 |
| ۷  | روایت هفتم.....                |
| ۷  | روایت هشتم.....                |
| ۷  | روایت نهم.....                 |
| ۸  | روایت دهم.....                 |
| ۸  | روایت یازدهم.....              |
| ۹  | روایت دوازدهم.....             |
| ۹  | روایت سیزدهم و چهاردهم.....    |
| ۹  | روایت پانزدهم و شانزدهم.....   |
| ۹  | روایت هفدهم.....               |
| ۱۰ | روایت هیجدهم.....              |
| ۱۰ | روایت نوزدهم.....              |
| ۱۰ | روایت بیستم.....               |



## شماره ثبت: ۳۱۹۳

- ۱۰.....روایت بیست و یکم و بیست و دوم.
- ۱۰.....روایت بیست و سوم.
- ۱۱.....روایت بیست و چهارم و بیست و پنجم.
- ۱۱.....روایت بیست و ششم.
- ۱۱.....نتیجه.



شماره ثبت: ۳۱۹۳

## تولی من قبل الجائر

### مستثنیات

در باب ۴۶، ۱۴ روایت با بحث ما ارتباط داشت. این روایات به نحوی دلالت بر جواز تولی من قبل جائر داشت. در ذیل این باب، در مستدرک نیز چندین روایت است.

## روایات مستدرک

### روایت اول

«الشَّيْخُ الْمُفِيدُ فِي الرَّوْضَةِ، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ السِّيَّارِيِّ عَنْ عَلِيِّ بْنِ جَعْفَرٍ قَالَ: كَتَبْتُ إِلَى أَبِي الْحَسَنِ ع أَنَّ قَوْمًا مِنْ مَوَالِيكَ يَدْخُلُونَ فِي عَمَلِ السُّلْطَانِ وَلَا يُؤْثِرُونَ عَلَى إِخْوَانِهِمْ وَإِنْ نَابَتْ أَحَدًا مِنْ مَوَالِيكَ نَاتِبَةً قَامُوا فَكَتَبَ أَوْلِيكَ هُمْ الْمُؤْمِنُونَ حَقًّا عَلَيْهِمْ مَغْفِرَةٌ مِنْ رَبِّهِمْ وَرَحْمَةٌ وَأَوْلِيكَ هُمُ الْمُهْتَدُونَ.»<sup>۱</sup>

ایشان برای امام (ع) نوشتند: بعضی از شیعیان شما وارد دستگاه شدند، اما ایشان به مؤمنین توجه می کنند. حضرت فرمودند: ایشان حقاً مؤمن هستند.

## بررسی روایت از لحاظ سندی

این روایت از لحاظ سند ضعیف است. سلسله سند مفید تا السیاری مختومه است. السیاری در نجاشی تضعیف شده است. یکی از اشکالات ایشان نیز این است که ایشان راوی احادیث جعلی تحریف قرآن است.

<sup>۱</sup>المستدرک الوسائل، ج ۱۳، ص ۱۳۰



## بررسی روایت از لحاظ دلالت

این روایت دلالت بر رجحان ورود عمل سلطان نمی‌کند. این روایت می‌گوید اگر رفتند، و کار خوبی انجام دادند کار خوبی است. اگر بگوییم که نه تولی را منظور کرده است، جواز را می‌رساند. البته بعید است که اصل ورود استحباب داشته باشد. نهایتاً به عمل خیرخواهانه‌ی بعد از ورود دستگاه، استحباب داشته باشد.

## روایت دوم

«وَعَنِ ابْنِ مُسْكَانَ عَنِ الْحَلِيِّ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع يَكُونُ الرَّجُلُ مِنْ إِخْوَانِنَا مَعَ هَؤُلَاءِ فِي دِيَوَانِهِمْ فَيَخْرُجُونَ إِلَى بَعْضِ النَّوَاحِي فَيَصِيبُونَ غَنِيمَةً فَقَالَ يَقْضَى مِنْهُ حُقُوقُ إِخْوَانِهِ.»<sup>۱</sup>

می‌فرماید: کسی در دستگاه بنی عباس است. وارد جنگ می‌شوند و غنائمی به دست می‌آورند. حضرت می‌فرماید: حقوق برادرانش را از این غنائم جدا بکند.

## بررسی روایت از لحاظ سند

ابن مسکان عن الحبی موثق است اما چون بین شیخ و ابن مسکان مقطوعه است، سند نامعتبر است.

## بررسی روایت از لحاظ دلالت

«يَقْضَى مِنْهُ حُقُوقُ إِخْوَانِهِ» یعنی غنائم را در امور مؤمنین خرج بکند. این جمله چند احتمال دارد:

۱. کفاره گناهانش است.

۲. با این کار، گناه نکرده است.

این روایت ارتباطی به دخول در دستگاه ندارد. این روایت دلالت بر جواز نمی‌کند.

<sup>۱</sup> مستدرک الوسائل، ج ۱۳، ص ۱۳۰



## شماره ثبت: ۳۱۹۳

### روایت سوم

«وَعَنِ الْبَرْقِيِّ عَنْ أَبِيهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عِيْسَى بْنِ يَقْطِينٍ قَالَ: كَتَبَ عَلِيُّ بْنُ يَقْطِينٍ إِلَى أَبِي الْحَسَنِ ع فِي الْخُرُوجِ مِنْ عَمَلِ السُّلْطَانِ فَأَجَابَهُ إِنِّي لَا أَرَى لَكَ الْخُرُوجَ مِنْ عَمَلِ السُّلْطَانِ فَإِنَّ لِلَّهِ عِزَّ وَجَلَّ بِأَبْوَابِ الْجَبَابِرَةِ مَنْ يَدْفَعُ بِهِمْ عَنْ أَوْلِيَائِهِ وَهُمْ عَتَقَاؤُهُ مِنَ النَّارِ فَاتَّقِ اللَّهَ فِي إِخْوَانِكَ أَوْ كَمَا قَالَ.»<sup>۱</sup>

این روایتی است که در وسائل نیز آمده بود. این دلالت بر حکم الهی و اولی نمی‌کند. این روایت دلالت دارد که امام (ع) می‌تواند اجازه ورود در دستگاه را به کسی بدهد. این جنبه حکم ولایی دارد. در این روایت ذیلی وجود دارد که ظهور روایت را در حکم الهی می‌کند. «فَإِنَّ لِلَّهِ عِزَّ وَجَلَّ بِأَبْوَابِ الْجَبَابِرَةِ مَنْ يَدْفَعُ بِهِمْ عَنْ أَوْلِيَائِهِ». صدر این روایت، موضوع را در حکم ولایی مطرح می‌کند اما ذیل این روایت، در حکم الهی و اولیه موضوع را مطرح می‌کند.

سند این روایت، احتمالاً معتبر است.

### روایت چهارم

«وَعَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سِنَانٍ عَنْ أَبِي الْجَاوُودِ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ ع قَالَ: سَأَلْتُهُ مِنْ عَمَلِ السُّلْطَانِ وَالدُّخُولِ مَعَهُمْ قَالَ لَا بَأْسَ إِذَا وَصَلْتَ إِخْوَانَكَ وَغَضَدْتَ أَهْلَ وَلَايَتِكَ.»<sup>۲</sup>

از امام (ع) می‌پرسند داخل شدن در سلطان ایراد دارد یا خیر؟ حضرت می‌فرماید: زمانی که به برادران دینی‌ات کمک می‌کنی، اشکالی ندارد.

این روایت دلالت تام دارد. این جمله کلمه شرط دارد، در نتیجه مفهوم دارد. اما دلالت روایت بیشتر از جواز نیست.

<sup>۱</sup> همان، ص ۱۳۱

<sup>۲</sup> همان



## شماره شصت: ۳۱۹۳

### روایت پنجم

«وَعَنْ حَمَادِ بْنِ عُثْمَانَ عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ عَمَّارٍ قَالَ: كَانَ عِنْدَ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَ جَمَاعَةٌ فَسَأَلَهُمْ هَلْ فِيكُمْ مَنْ يَدْخُلُ فِي عَمَلِ السُّلْطَانِ لِإِخْوَانِهِ وَإِدْخَالِ الْمَنَافِعِ عَلَيْهِمْ قَالَ لَا نَعْرِفُ ذَلِكَ قَالَ إِذَا كَانُوا كَذَلِكَ فَابْرَأُوا مِنْهُمْ.»

این روایت نیز از لحاظ سند مقطوعه است. البته هرچند حماد و معاویه بن عمار، توثیق دارند.

حضرت سؤال کردند آیا کسی هست که در دستگاه برود و به مؤمنین کمک بکند. کسانی را که می‌شناسیم برای مطامع خودشان رفته‌اند. حضرت می‌فرمایند: اگر این چنین هستند، از آن‌ها تبری بجوید.

این جمله شرطیه است، دلالت بر جواز می‌کند. این روایت نیز ظهور در عنوان قصدی دارد. یعنی به خاطر کمک به مؤمنان وارد در دستگاه بشود.

### روایت ششم

«وَعَنِ الْوَلِيدِ بْنِ صَبِيحٍ الْكَاثِلِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَ قَالَ: مَنْ سَوَّدَ اسْمَهُ فِي دِيْوَانِ بَنِي شَيْصَبَانَ حَشَرَهُ اللَّهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ مُسَوَّدًا وَجْهُهُ إِلَّا مَنْ دَخَلَ فِي أَمْرِهِمْ عَلَى مَعْرِفَةٍ وَبَصِيرَةٍ وَيَنْوِي الْإِحْسَانَ إِلَى أَهْلِ وَلَايَتِهِ.»<sup>۱</sup>

امام (ع) می‌فرماید: اگر کسی در دستگاه (بنی عباس) رفت، چهره‌ی او در روز قیامت سیاه خواهد بود؛ مگر کسی که با بصیرت رفته است و با حساب و کتاب وارد شده است برای این که احسان به مؤمنین کند.

در اینجا نیز جمله شرطیه است. رجحان از این روایت استفاده می‌شود. اصل جواز از این روایت استفاده می‌شود. عزم و تصمیم کلید و قید جواز است.

<sup>۱</sup> همان



## شماره ثبت: ۳۱۹۳

## روایت هفتم

«وَعَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سِنَانٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنْ عَمَلِ السُّلْطَانِ وَالدُّخُولِ مَعَهُمْ وَ مَا عَلَيْهِمْ فِيمَا هُمْ فِيهِ قَالَ لَا بَأْسَ بِهِ إِذَا وَاسَى إِخْوَانَهُ وَ أَنْصَفَ الْمَظْلُومَ وَ أَغَاثَ الْمَلْهُوفَ مِنْ أَهْلِ وَلَايَتِهِ.»<sup>۱</sup>

حضرت فرمود: اگر با برادرانش مساوات بکند و مضطر را فریادرسی کند، مشکلی ندارد که در دستگاه وارد بشود.

این روایت نیز سند معتبر ندارد. ولی دلالت بر جواز در زمانی که کمک به مؤمنین بکند، وجود دارد.

## روایت هشتم

«وَعَنِ الْحَسَنِ بْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ رَبَاطٍ قَالَ: اسْتَأْذَنَ رَجُلٌ أَبَا الْحَسَنِ مُوسَى ع فِي أَعْمَالِ السُّلْطَانِ فَقَالَ لَا وَلَا قِطْعَةَ قَلَمٍ إِلَّا لِإِعْزَازِ مُؤْمِنٍ أَوْ فَكِّ أَسْرَةٍ ثُمَّ قَالَ لَهُ كَفَّارَةُ أَعْمَالِكُمُ الْإِحْسَانُ إِلَى إِخْوَانِكُمْ.»<sup>۲</sup>

وقتی که شخص از امام اجازه ورود به دستگاه را می‌خواهد، ایشان می‌فرمایند: خیر، اگر برای عزت‌بخشی به مؤمنین باشد، مانعی ندارد. در ذیل آن می‌فرماید کفاره اعمال شما احسان به برادرانتان است.

این روایت دلالت بر جواز است. در ذیل روایت، کفاره را آورده است، که این کفاره نشان می‌دهد. این به معنای کفاره عام نیست. نتیجه می‌گیریم که این کفاره به این معناست که منقصت درونی فعل، جبران می‌شود. همان‌طور که می‌دانید وقتی ملاک ثانویه می‌آید و حکم اولیه کنار می‌رود، یک منقصتی در ذات فعل است که با این احسان جبران می‌شود. این روایت نیز دلالت بر مسئله می‌کند.

## روایت نهم

«وَعَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى بْنِ عُبَيْدٍ بْنِ يَقْطِينٍ قَالَ قَالَ أَبُو الْحَسَنِ مُوسَى ع: إِنَّ اللَّهَ خَلَقَ قَوْمًا مِنْ أَوْلِيَائِهِ مَعَ أَغْوَانِ الظَّالِمَةِ وَوَلَاةِ الْجَوْرِ يَدْفَعُ بِهِمْ عَنِ الضَّعِيفِ وَيَحْقِنُ بِهِمُ الدَّمَاءَ.»<sup>۱</sup>

<sup>۱</sup> همان<sup>۲</sup> همان



## شماره ثبت: ۳۱۹۳

این روایت نیز دلالت بر جواز می‌کند.

### روایت دهم

«وَعَنِ الْفَضْلِ بْنِ عَبْدِ الرَّحْمَنِ الْهَاشِمِيِّ قَالَ: كَتَبْتُ إِلَى أَبِي الْحَسَنِ عَ اسْتَأْذِنُهُ فِي أَعْمَالِ السُّلْطَانِ فَقَالَ لَا بَأْسَ بِهِ مَا لَمْ يَغْيِرْ حُكْمًا وَ لَمْ يَبْطُلْ حَدًّا وَ كَفَّارَتُهُ قَضَاءُ حَوَائِجِ إِخْوَانِكُمْ.»<sup>۲</sup>

ورود به دستگاه جائر، در زمان ائمه اطهار (علیهم السلام) بسیار مهم بوده است. از این همه سؤالی که از امامان (علیهم السلام) شده است، نشان‌دهنده همین امر است. حضرت نیز در اینجا می‌فرمایند: اگر وارد شدی تا زمانی که حدی را باطل نکنی، اشکال نداره و در ادامه نیز کلمه کفاره می‌آورد. این کفاره نشان‌دهنده این نیست که کفاره گناه است. این روایت نیز دلالت بر جواز می‌کند.

این همه روایت در باب تولی من قبل جائر، در حد تواتر است.

### روایت یازدهم

«وَعَنْ صَفْوَانَ قَالَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ ع: مَنْ كَانَ ذَا صَلَٰةٍ لِأَخِيهِ الْمُؤْمِنِ عِنْدَ سُلْطَانِهِ أَوْ تَيْسِيرِ عَسِيرٍ لَهُ أُعِينَ عَلَىٰ إِجَازَةِ الصَّرَاطِ يَوْمَ تَذَحُّصِ الْأَقْدَامِ.»<sup>۳</sup>

کسی که در نزد سلطان است و به برادر ایمانی خود کمک می‌کند، در روز قیامت، به وی کمک می‌شود.

این روایت اعم از ورود و ارتباط با سلطان است. این روایت بیشتر شفاعت را بیان می‌کند.

این یازده روایت، از روضه شیخ مفید نقل شده است.

<sup>۱</sup> همان، ۱۳۲

<sup>۲</sup> همان

<sup>۳</sup> همان





## شماره ثبت: ۳۱۹۳

## روایت دوازدهم

«وَفِي كِتَابِ الْإِخْتِصَاصِ، عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ إِسْحَاقَ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ حَمَّادٍ عَنْ سَدِيرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ قَالَ: أَلَا أُبَشِّرُكَ قَالَ قُلْتُ بَلَى جُعِلْتُ فِدَاكَ قَالَ أَمَا إِنَّهُ مَا كَانَ مِنْ سُلْطَانٍ جَوْرٍ فِيمَا مَضَى وَلَا يَأْتِي [بَعْدُ] إِلَّا وَمَعَهُ ظَهِيرٌ مِنَ اللَّهِ يَدْفَعُ عَنْ أَوْلِيَائِهِ شَرَّهُمْ بِهِ.»<sup>۱</sup>

امام بشارتی می‌دهند که در هر دستگاه کسی وجود دارد که از اولیاء خدا، شر را دفع می‌کند.

این روایت معتبر است. مضمون این روایت در چندین روایت وجود دارد.

## روایت سیزدهم و چهاردهم

این روایات نامه‌ای هستند که به امام (ع) نوشتند، و ایشان نیز جواب داده‌اند.

## روایت پانزدهم و شانزدهم

این دو روایت نیز شبیه همان چیزی است که در وسائل آمده است

## روایت هفدهم

«وَعَنِ الْمُفَضَّلِ بْنِ عُمَرَ قَالَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ ع: مَا مِنْ سُلْطَانٍ إِلَّا وَمَعَهُ مَنْ يَدْفَعُ اللَّهُ بِهِ عَنِ الْمُؤْمِنِينَ أَوْلِيكَ أَوْفَرُ حَظًّا فِي الْآخِرَةِ.»<sup>۲</sup>

در روایات قبلی که «مَنْ يَدْفَعُ اللَّهُ» وجود داشت با استفاده از قراین اعلام می‌کردیم که دلالت بر جواز می‌کند، و اما اینجا، به صراحت بیان می‌کند: «أَوْلِيكَ أَوْفَرُ حَظًّا فِي الْآخِرَةِ». در این روایت قطعاً استحباب را دلالت می‌کند.

<sup>۱</sup> همان، ۱۳۲

<sup>۲</sup> همان، ص ۱۳۶



## شماره ثبت: ۳۱۹۳

### روایت هیجدهم

«وَفِيهِ قَالَ: شَكَا رَجُلٌ إِلَى أَبِي الْحَسَنِ مُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ قَالَ شَيْعَةُ وَلِدِ الْحُسَيْنِ أَخِيكَ أَكْثَرَ مَا لَا مِنْكُمْ وَأَنْتُمْ تَشْكُونَ الْحَاجَةَ قَالَ أَوْلَيْكَ يَتَعَرَّضُونَ لِلْسُلْطَانِ وَعَمَلِهِ وَنَحْنُ لَا نَتَعَرَّضُ لَهُ قَالَ إِذَا دَخَلْتُمْ فِي عَمَلِ السُّلْطَانِ فَتَصِلُونَ إِخْوَانَكُمْ وَتَدْفَعُونَ عَنْهُمْ قَالَ مِمَّا مَنْ يَفْعَلُ ذَلِكَ قَالَ إِذَا دَفَعْتُمْ عَنْ إِخْوَانِكُمْ وَوَصَلْتُمُوهُمْ وَعَصَدْتُمُوهُمْ وَوَأَسَيْتُمُوهُمْ فَلَا بَأْسَ وَإِنْ لَمْ تَفْعَلُوا ذَلِكَ فَلَا وَ لَا كِرَامَةً.»<sup>۱</sup>

این روایت نیز سند ندارد، اما به خاطر شرطی‌اتی که آمده است و مفهومی که دارد، به صراحت می‌توان از این روایت استفاده کرد.

### روایت نوزدهم

این نیز نامه‌ای به موسی بن جعفر (ع) است که دلالت بر رجحان می‌کند.

### روایت بیستم

این روایت مطلب جدیدی ندارد.

### روایت بیست و یکم و بیست و دوم

مضمون این روایات در روایات قبلی وجود داشت.

### روایت بیست و سوم

«وَعَنْ عَلِيِّ بْنِ يَفْطِينٍ قَالَ: قَالَ لِي أَبُو الْحَسَنِ مُوسَى بْنُ جَعْفَرٍ أَضْمَنْ لِي وَاحِدَةً أَضْمَنْ لَكَ ثَلَاثًا أَضْمَنْ لِي أَنَّهُ لَا يَأْتِي أَحَدٌ مِنْ مُوَالِينَا فِي دَارِ الْخِلَافَةِ إِلَّا قُمْتُ لَهُ بِقَضَاءِ حَاجَتِهِ أَضْمَنْ لَكَ أَنْ لَا يَصِيبَكَ حَرُّ السَّيْفِ أَبَدًا وَ لَا يَظْلُكَ سَقْفٌ سِجْنٍ أَبَدًا وَ لَا يَدْخُلُ الْفَقْرُ بَيْتَكَ أَبَدًا قَالَ الْحَسَنُ فَذَكَرْتُ لِمَوْلَايَ كَثْرَةَ تَوَلَّيَ أَصْحَابِنَا أَعْمَالَ السُّلْطَانِ وَ اخْتِلَاطَهُمْ بِهِمْ

<sup>۱</sup> همان



## شماره ثبت: ۳۱۹۳

قَالَ مَا يَكُونُ أَحْوَالُ إِخْوَانِهِمْ مَعَهُمْ قُلْتُ مُجْتَهِدٌ وَمُقَصِّرٌ قَالَ مَنْ أَعَزَّ أَخَاهُ فِي اللَّهِ وَ أَهَانَ أَعْدَاءَهُ فِي اللَّهِ وَ تَوَلَّى مَا اسْتَطَاعَ نَصِيحَتَهُ أَوْلَيْكَ يَتَقَلَّبُونَ فِي رَحْمَةِ اللَّهِ وَ مَثَلُهُمْ مَثَلُ طَيْرٍ يَأْتِي بِأَرْضِ الْحَبَشَةِ فِي كُلِّ صَيْفَةٍ يَقَالُ لَهُ الْقَدَمُ فَيَبِيضُ وَ يَفْرِخُ بِهَا فَإِذَا كَانَ وَقْتُ الشِّتَاءِ صَاحَ بِفِرَاحِهِ فَاجْتَمَعُوا إِلَيْهِ وَ خَرَجُوا مَعَهُ مِنْ أَرْضِ الْحَبَشَةِ فَإِذَا قَامَ قَائِمُنَا عَاجَتَمَعَ أَوْلِيَاؤُنَا مِنْ كُلِّ أَوْبٍ ثُمَّ تَمَثَّلَ بِقَوْلِ عَبْدِ الْمُطَّلِبِ<sup>۱</sup>

### روایت بیست و چهارم و بیست و پنجم

این نیز مضمون روایات قبل را دارد.

### روایت بیست و ششم

«الْكُشَى فِي رَجَالِهِ، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدَ بْنِ عِيسَى عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِنَا عَنْ سَيْفِ بْنِ عَمِيرَةَ عَنْ أَبِي حَمْزَةَ الثَّمَالِيِّ قَالَ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا جَعْفَرٍ ع يَقُولُ: مَنْ أَخْلَلْنَا لَهُ شَيْئًا [أَصَابَهُ] مِنْ أَعْمَالِ الظَّالِمِينَ فَهُوَ لَهُ حَلَالٌ لِأَنَّ الْأَيْمَةَ مِنَّا مُفَوَّضٌ إِلَيْهِمْ فَمَا أَحَلُّوا فَهُوَ حَلَالٌ وَ مَا حَرَّمُوا فَهُوَ حَرَامٌ»<sup>۲</sup>

### نتیجه

در غیر از این ابواب، روایات دیگری نیز وجود دارد. این ۴۰ روایتی که در این دو باب وجود دارد، نشان‌دهنده تأکید فراوان ائمه (علیهم‌السلام) را نشان می‌دهد. این یک تأکید بر مبارزه منفی و هوشمندانه در مقابل استبداد و کفر است. این یک نقشه سیاسی مدبرانه است. حدود ۴۰ روایت با شدت با تولی من قبل جائر برخورد می‌کند و آن را مورد نکوهش قرار می‌دهد. درعین حال روایاتی داریم که استثنائاتی را ذکر می‌کند تا طبقه شیعه بیشتر حفظ بشود.

این روایات طبقه‌بندی‌هایی دارد. حضرت امام (ره) و آیت‌الله سبحانی نظراتی در این باره دارند.

<sup>۱</sup> همان، ص ۱۳۷

<sup>۲</sup> همان، ص ۱۳۸



مؤسسه اشراق و عرفان

شماره ثبت: ۳۱۹۳